

Identifying the Components Affecting the Social Capital When Faced with Social Alienation: A Case Study of the Students of Tehran University and Islamic Azad University, Science and Research Branch

Fateme Adelinejad

Ph.D Student of Cultural sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.adeli9697@gmail.com

Mirtaheer Mousavi

Corresponding Author, Assistant Professor, Center for Social Welfare Management Research, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.
tr_mousavi@yahoo.com

Alireza Mohseni Tabrizi

Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Mohsenit@ut.ac.ir

Abstract

This study aims at identifying the factors affecting the promotion of social capital and its impact on reducing social alienation. The method adopted was combined and of nested type and collecting the quantitative and qualitative data (survey - cognitive phenomena) was done simultaneously. The quantitative data were collected through two questionnaires of social alienation and social capital from 410 students of Tehran University and Science and Research Branch of Islamic Azad University through proportional stratified sampling method. The qualitative data were collected through purposive sampling and semi-structured interviews with 16 people until the stage of theoretical saturation. The collected data were then analyzed through SPSS25 & Atlas ti software. The findings of the quantitative data analysis showed that the variable of social alienation has a significant and inverse relationship with those of empathy (0.01) - 0.13 and trust (0.001) - 0.21. Qualitative analysis of 19 categories including globalization, change in values and lifestyle, gender stereotypes, media, education, religious

values, higher education, public spaces, social welfare, feelings of relative deprivation, social norms, family, social adequacy, network of mutual trust, good governance, meritocracy, crisis management, economic instability, and employment and business were extracted. Overall, the results showed that in order to promote social capital and reduce social harms, planners should take comprehensive attention to economic, cultural, political, and social areas into their serious consideration.

Keywords: *social alienation, social capital, social trust*

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مواجهه با بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات)^۱

فاطمه عادلی نژاد

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
f.adeli9697@gmail.com

میرطاهر موسوی

نویسنده مسئول، استادیار مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت
اجتماعی، تهران، ایران tr_mousavi@yahoo.com

علیرضا محسنی تبریزی

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران Mohsenit@ut.ac.ir

چکیده

هدف مطالعه حاضر شناخت عوامل مؤثر بر ارتقا سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در کاهش بیگانگی اجتماعی است. روش این مطالعه ترکیبی و از نوع تودرتو (لانه‌ای) است، جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی و کیفی (پیمایش - پدیدار شناختی) به صورت هم‌زمان انجام شد. در بخش کمی با استفاده از دو پرسشنامه بیگانگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی داده‌ها از ۴۱۰ نفر دانشجوی دانشگاه علوم تحقیقات و دانشگاه تهران به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی گردآوری شد، در بخش کیفی با روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر و رسیدن به مرحله اشباع نظری، داده‌ها جمع‌آوری گردید. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS25 & Atlas ti تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های بخش کمی نشان داد، متغیر بیگانگی اجتماعی با متغیرهای همدلی (۰,۱۳-) و اعتماد (۰,۰۰۱) ۰,۲۱- رابطه معنی‌دار و معکوس دارد، از تحلیل یافته‌های کیفی ۱۹ مقوله شامل جهانی‌شدن، تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی، کلیشه‌های جنسیتی، رسانه، آموزش و پرورش، ارزش‌های دینی، آموزش عالی، فضاهای عمومی، رفاه اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، هنجارهای اجتماعی، خانواده، کفایت اجتماعی، شبکه اعتماد متقابل،

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

حکمرانی خوب، شایسته‌سالاری، مدیریت در بحران، بی‌ثباتی اقتصادی، اشتغال و کسب‌وکار استخراج شد. درمجموع نتایج این مطالعه نشان داد برای ارتقا سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی توجه همه‌جانبه به حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باید موردتوجه برنامه ریزان قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بیگانگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۲۳ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۵/۲۳

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۵۷-۳۹۱

مقدمه و بیان مسئله

سرمایه‌ی اجتماعی^۱ مفهومی است که پیشینه‌ای نه‌چندان طولانی در علوم انسانی و اجتماعی دارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی به این طرف در تحقیقات دانشگاهی رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی (بورديو^۲، ۱۹۸۶؛ کلمن^۳، ۱۹۹۰)، اقتصاد (لوری^۴، ۱۹۹۲) و علوم سیاسی (پاتنام^۵، ۱۹۹۳) افزایش یافته است و در حوزه‌های مختلف سلامت و پزشکی، سیاست، خانواده، اجتماعات و احزاب، مدیریت شهری، رفاه اجتماعی و در سطوح منطقه‌ای و ملی مورد توجه بوده است (Kawachi, 2008) (Shortt, 2004) (Lafferty, 2015) (Krishna, 1999). ریشه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در کار لیدا جی. هانیفان^۶ (۱۹۱۶) و سپس گلن لوری^۷ (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، تا آغاز قرن بیستم دنبال کرد. سپس، اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی نخستین بار در اثر جین جکوبز^۸ (۱۹۶۱) «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۹۶۱) طرح شد که از سرمایه‌ی اجتماعی در چارچوب همسایگی و محله یادکرد (پیران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳). بر اساس آن، شبکه‌های اجتماعی، شکلی از سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دادند که در ارتباط با حفظ پاکیزگی شهر، فقدان

-
1. Social Capital
 2. Bourdieu
 3. Coleman
 4. Lory
 5. Putnam
 6. Lyda J. Hanifan
 7. Glenn Lory
 8. Jane Jacobs

جرم و جنایت خیابانی، آسیب‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی نظیر نیروی حفاظتی پلیس، کارایی بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. (Krisotakis, 2004, ص. ۴۳)، وی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را برای تبیین این واقعیت که چرا برخی از شهرها امن‌تر از شهرهای دیگر هستند، توسعه داد و سرمایه‌ی اجتماعی را باعث ارتقاء کیفیت زندگی و کاهش جرائم اجتماعی عنوان کرد (اکبری، ۱۳۸۳، ص. ۶۰). کلمن (۱۹۸۸) برای اولین بار، این مفهوم را وارد حوزه‌ی سیاسی کرد و درنهایت، تلاش‌های وی در اروپا توسط پاتنام (۱۹۹۳) پیگیری و وارد حوزه‌ی اجتماعی شد.

سرمایه‌ی اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌های روابط اجتماعی، باعث حل مسالمت‌آمیز تضادها و تفاوت‌های بین اشخاص و همچنین تضاد بین گروه‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵). لذا حضور و نحوه‌ی صورت‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه باعث می‌شود، هرچه افراد در جامعه دارای روابط توأم با کمک و همیاری و اعتماد متقابل باشند، به همان میزان از ارتکاب به آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاسته شود (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۳۷). این امر از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و انواع جرائم اجتماعی و در کنار آن، از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، اساساً از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در چگونگی رفتار افراد اعمال می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۵، ص. ۲۴۹).

مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مهمی در کاهش بروز آسیب‌های اجتماعی و بیگانگی اجتماعی دارد. نتایج مطالعه‌ای در سوئد نشان داد، همبستگی منفی بین مشارکت اجتماعی و اعتماد در رابطه با گرایش جوانان به رفتارهای آسیب‌زا وجود دارد (Lundborg, 2005). چندین مطالعه که در ایالات متحده آمریکا انجام شد بین اختلال در روابط همسایگی و همبستگی اجتماعی پایین با آسیب‌های اجتماعی و بیگانگی اجتماعی ارتباط معنادار یافتند (Winstanley EL, 2008) (Furr- Holden CD, 2011).

مطالعات انجام‌شده در ایران میزان بالایی از بیگانگی اجتماعی در بین

دانشجویان و جوانان را گزارش می‌دهند. (سراج زاده، قصابی، & چمنی، ۱۳۹۱) (رضایی، بساطیان، & جعفریان، ۱۳۹۴). میانگین و رتبه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در پیمایش ملی سرمایه‌ی اجتماعی نشان از وضعیت پایین این سرمایه در سطح کشور و برای شهر تهران دارد (غفاری، ۱۳۹۴). بازتاب‌های ضعف یا فقدان سرمایه‌ی اجتماعی در سطوح کلان، میانی و خرد می‌تواند جامعه را در وضعیت سردرگم و به‌نوعی آنومیک قرار دهد. اهمیت این موضوع، شاکله اصلی پژوهش حاضر است. با توجه به اهمیت قشر جوان و دانشجو و نقش آن در رشد و توسعه جامعه، این مطالعه در نظر دارد با یک روش ترکیبی به شناخت عوامل تأثیرگذار در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته و بررسی نماید که چگونه ارتقاء سرمایه اجتماعی موجب کاهش بیگانگی اجتماعی دانشجویان می‌شود.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف از این مطالعه، شناخت آن دسته از ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط با سرمایه اجتماعی است که در کاهش بیگانگی اجتماعی دانشجویان و به دنبال آن آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار است.

در بخش کمی به سؤالات زیر پاسخ خواهیم داد:

- ۱- آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟
- ۳- سؤال این پژوهش در بخش کیفی این است که سرمایه‌ی اجتماعی چگونه و از طریق کدام عوامل افزایش می‌یابد تا باعث کاهش بیگانگی اجتماعی شود؟

۲. پیشینه پژوهش

(کریمیان & غفوری کله، ۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه‌ی

اجتماعی و بیگانگی سیاسی، همبستگی معنی دار و معکوس وجود دارد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، بیشترین همبستگی را با بیگانگی سیاسی شهروندان دارد. یافته‌های پژوهش (توفیق‌یان فر & حسینی، ۱۳۹۱) با عنوان «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» که در میان جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر یاسوج انجام شد، نشان داد بین متغیر اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، جمعی، میزان همنوایی اجتماعی و رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. این مطالعه نشان داد که هرچه بین فرد و جامعه اشتراکات بیشتری وجود داشته باشد، رضایت از زندگی و همنوایی بالاتر خواهد بود و در نتیجه بیگانگی اجتماعی کاهش خواهد یافت. (بنی فاطمه & رسولی، ۱۳۹۰) در «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن» به این نتیجه رسیدند که بیگانگی اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان بالایی را نشان می‌دهد. آن‌ها دریافتند که هرچه اعتماد اجتماعی در جامعه تقویت گردد از میزان بیگانگی اجتماعی دانشجویان کاسته می‌شود. این مطالعه بر اهمیت مشارکت دانشجویان در امور جامعه تأکید نموده و آن را عاملی در جهت کاهش بیگانگی اجتماعی در میان جامعه مورد مطالعه می‌داند. پکان (Pekkan N. U., 2019) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر بیگانگی شغلی در کارکنان بخش بهداشت و درمان ترکیه»، اثر هشت بعد از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بر سه بعد بیگانگی شغلی را مورد بررسی قرارداد، بر اساس یافته‌های این مطالعه، روابط منفی و معناداری بین تمام ابعاد سرمایه اجتماعی به‌جز مشارکت در اجتماعات محلی و روابط همسایگی و بیگانگی شغلی مشاهده شد. نتایج این مطالعه نشان داد چنانچه، سطح سرمایه‌ی اجتماعی کارمندان افزایش یابد، بیگانگی شغلی در جهت مقابل کاهش خواهد یافت. نتایج مطالعه ویتزمن (Weitzman E. R., 2005) که با هدف «بررسی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و سوء مصرف مواد الکلی در میان دانشجویان در ایالات متحده آمریکا» انجام شد، نشان داد دانشجویانی که سطوح بالاتری از سرمایه‌ی اجتماعی را دارا بودند با کاهش خطرات ناشی از سوء مصرف

الکل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن مواجه بودند. یافته‌ها نشان داد سرمایه‌ی اجتماعی، اثرات حفاظتی زیادی بر جلوگیری از مصرف الکل و آسیب‌های ناشی از آن در میان دانشجویان دارد. مطالعه‌ای را صفی‌پور و همکاران (Safipour J. , 2011) باهدف «بررسی بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ی سوئدی با توجه به سابقه‌ی مهاجرت آن‌ها» انجام دادند، نتایج این مطالعه، ارتباط قابل توجهی بین مهاجرت و بیگانگی اجتماعی را نشان داد، طوریکه نوجوانان نسل اول نمرات بالاتری از بیگانگی را در مقیاس انزوای اجتماعی، نسبت به نسل دوم مهاجران و سوئدی‌های بومی داشتند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده و مرتبط با موضوع این مطالعه نشان می‌دهد بیشتر تحقیقات، سرمایه‌ی اجتماعی یا یکی از مؤلفه‌های آن را در مورد یکی از انواع بیگانگی و یا آسیب مورد بررسی قرار داده‌اند و در مورد عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در ارتباط با بیگانگی اجتماعی تحقیقات اندکی انجام‌شده است، بیشتر مطالعات انجام‌شده با روش پیمایش و از نوع کمی می‌باشد، این مطالعه از این نظر با مطالعات گذشته متفاوت است، در این مطالعه با روش ترکیبی (کمی و کیفی) سعی شده است تا دیدگاه شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گیرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اهمیت بنیان نظری، در کاربست هریک از رویکردهای نظری پژوهش، سعی شده است اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در انسجام و پیوستگی جامعه و به دنبال آن کاهش بیگانگی اجتماعی موردنظر قرار گیرد.

۳-۱. رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی

دیدگاه بی‌سازمانی بیشتر متأثر از نظریه کارگردگرای ساختی است. تالکوت پارسونز^۱ در این نظریه، عامل اصلی پیوند خرده سیستم‌ها را فرهنگ و نظام ارزشی ناشی از آن می‌داند. دیدگاه سیستمی و کارکردی به بیان سیستم و نظام اجتماعی با توجه به دو عنصر وابستگی عناصر نظام و تمایل عناصر در دستیابی به تعادل

1. Talcott Parsons

می‌پردازد. در این طرز تلقی، جامعه یا واحدی که دارای سازگاری نیست باید معالجه و اصلاح شود. از نظر این دیدگاه، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در طول دوره‌های تغییرات سریع اجتماعی توسعه می‌یابد و این زمانی است که افراد در رسیدن به اجماع شکست می‌خورند. بخش‌های عمده و مشخص جمعیت از طریق تقاضاهای جدیدشان، میل شدید به تغییر در سطوح متعدد زندگی‌شان پیدا نموده‌اند که به لحاظ عدم انطباق نیازها با ساختارها، بی‌سازمانی شکل گرفته است. این نظریه بر اساس پیش فرض‌هایی از جمله: جامعه‌ی سازمان یافته دارای ثبات است، تغییر اجتماعی در هر جامعه به طور مستمر اتفاق می‌افتد، مشکلات و مسائل اجتماعی در طول دوره‌های تغییر، سریع‌تر گسترش می‌یابند و مشکلات اجتماعی غیرقابل اجتناب هستند، بنا نهاده شده است، اساس این نظریه بر نبود انطباق سیستم با نیازهای کارکردی سیستم همچون حداقل انسجام اجتماعی در دستیابی به هدف و کنترل نقش‌های فردی است (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۳۸-۴۰). نظریه‌ی بی‌سازمانی به طور گسترده‌ای در مکتب شیکاگو در تبیین چرایی آسیب‌های اجتماعی در جوامع شهری به کار گرفته شد و در کار پیشگامان این مکتب چون پارک^۱ و برگس^۲ مشاهده می‌شود. پارک بنیانگذار مکتب شیکاگو بر رابطه‌ی بین مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی تأکید می‌نماید، ارنست برگس نظریه‌ی دواير متحد‌المرکز را با تأکید بر نواحی گذار یا انتقالی به عنوان فضاهاى بی‌سازمان که یکی پس از دیگری رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند، مطرح می‌کند (DELLER, 2010).

مشخصه‌های ساختاری همچون فقر و بیکاری همگی پیش‌بینی کننده‌ی نتایج بی‌سازمانی می‌باشد، لذا سطوح پایین‌تر انسجام اجتماعی جوانان اغلب با متغیرهای ساختاری مرتبط می‌تواند آسیب‌ها و بیگانگی اجتماعی را افزایش دهد. نزد نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی، مشکلات بر اساس شرایط و فرصت‌های نامساوی شکل گرفته‌اند. تغییرات متأثر از صنعتی شدن موجب ناتوانی در درونی

1. Robert Ezra Park

2. Ernst W. Burgess

کردن هنجارها و سختی در یادگیری و به‌کارگیری آن‌هاست. در این رویکرد، مشکل در سطح فرد مطالعه نمی‌شود بلکه به سازمان اجتماعی - بی‌سازمانی اجتماعی ربط داده می‌شود، به این معنی که بخش‌های نظام اجتماعی نیاز به اصلاحات دارد (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۴۲). بنابراین تئوری، بی‌سازمانی اجتماعی چارچوبی را فراهم می‌کند که گسیختگی، شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است، برهم می‌ریزد و گسیختگی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی آسیب می‌زند، چون سطوح دسترسی‌پذیری سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد (عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، & اسلامی بناب، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۲). می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی عاملی در کنترل اجتماعی است و آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر اینکه آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲). اعتماد و مشارکت به عنوان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه با ساختارهای کلان اجتماع می‌گردد و عاملی در کاهش انزوا و بیگانگی افراد جامعه است.

۲-۳. رویکرد کج‌رفتاری / آنومی

رویکرد کج‌رفتاری، متأثر از نظریه‌ی کنش متقابل نمادی به بررسی ریشه‌های مشکلات اجتماعی در ساخت‌های ذهنی متعدد و واقعیت در میان گروه‌های ذی نفوذ و افراد می‌پردازد. این دیدگاه بر انحراف از هنجارهای اجتماعی تأکید دارد. در تحلیل انحراف رفتاری، تأکید اصلی بر دو علت عمومی است: ناتوانی در قبول هنجارهای اجتماعی و شکست در قبول این هنجارها. این دیدگاه به لحاظ اینکه بر رفتار افراد تأکید دارد از دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی متفاوت است. نظریه‌ی رفتار انحرافی به نظریه‌های آنومی نسبت داده می‌شود (آزاد ارمکی & بهار، ۱۳۷۷، ص. ۴۴).

امیل دورکیم^۱ بر پایه‌ی نظریه‌ی آنومی نوع شناسی از خودکشی را بر پیوند

1. David Emile Durkheim

اجتماعی متمرکز نمود، او نوعی از خودکشی را خودکشی خودخواهانه نامید و آن زمانی است که افراد دارای پیوندهای اجتماعی ضعیف باشند، چیز کمی باقی می ماند که به هنگام افزایش فشارهای روانی مانع خودکشی آنها شود. نوع دوم خودکشی دیگرخواهانه است زمانی که افراد هدفی دارند که به دلیل پیوندهای قوی با گروه های اولیه و انسجام اجتماعی زیاد برای آن بمیرد، می توان آنها را به فدا کردن جانشان تشویق کرد. خودکشی های خودخواهانه و دیگرخواهانه بازتابی از دو سر یک پیوستار هستند که یک سر آن پیوند و انسجام اجتماعی ضعیف و سر دیگر آن پیوند و انسجام اجتماعی قوی است. نوع سوم خودکشی نابهنجارانه است که در پاسخ به تغییرات ناگهانی می باشد، این نوع خودکشی از نظر دورکیم در زمان بحران های اقتصادی و شکوفایی اقتصادی افزایش می یابد. در زمان شکوفایی اقتصادی، مقررات سستی که معمولاً افراد را محدود می سازد، از بین می رود و برای افراد دشوار است که خود را محدود کنند و هرگز راضی نمی شوند (آرون، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۰). نظریه ی آنومی رابرت مرتون^۱ به این نکته تأکید می کند که جامعه بر دستیابی به هدف و موفقیت اقتصادی و اجتماعی تأکید می کند، اما شرایط و ابزار لازم در دستیابی به این اهداف وجود ندارد. این نظریه بر تضاد بین اهداف و وسایل برای دستیابی به آن اهداف در سطح فردی تمرکز می کند، در این رویکرد افراد ناموفق از جامعه ی خود بیگانه می شوند و نتیجه ی این انزوا و بیگانگی بروز آسیب های اجتماعی است (DELLER, 2010، ص. ۲۲۷).

بر طبق این تئوری، ضعف در پیوندهای اجتماعی و به طور کلی کاهش سرمایه های اجتماعی، عامل ناهنجاری و آنومی در سطح فردی است. تزلزل در انسجام اجتماعی دلیلی برای بروز ناهنجاری ها، انزوا و سرخوردگی افراد در جامعه می باشد.

۳-۳. نظریه انتخاب عقلانی

اصول نظریه ی انتخاب عقلانی برگرفته از اقتصاد نئوکلاسیک است، تأکید نظریه ی انتخاب عقلانی بر کنشگران است. کنشگر، هدفمند یا دارای نیت به شمار می آید.

1. Robert K. Merton

از جمله مفروضات اصلی این نظریه این است که کنشگران، دارای هدف و قصدی هستند که کنش آن‌ها در جهت آن است، نظریه‌ی انتخاب عقلانی مقاصد و نیت کنشگران را در نظر می‌گیرد و دو محدودیت عمده بر کنش را مورد ملاحظه قرار می‌دهد، نخست کمیابی منابع به این معنی که کنشگران منابع متفاوتی دارند و دسترسی‌شان به منابع دیگر هم متفاوت است، کنشگر کسی است که تلاش می‌کند سودش را به حداکثر برساند و این هدف، متضمن این است که کنشگر شانس خود را برای رسیدن به اهداف خود سبک و سنگین کند؛ و دومین منبع محدودیت بر کنش‌های فرد، نهادهای اجتماعی است این محدودیت نهادی فراهم آورنده‌ی ضمانت اجرایی منفی و مثبت است که مشوق کنش‌های خاص و منع کنش‌های دیگر است. هومنز برپایه‌ی دیدگاه اسکینر به این نتیجه دست یافت که تکرار هر عملی که بیشترین پاداش را برای فرد داشته باشد در آینده بیشتر خواهد بود. پیتز بلاو^۱ صاحب‌نظر دیگر این دیدگاه قضایای هومنز^۲ را در سطح کلان ساختارهای اجتماعی مورد بررسی قرار داده است (ریتزر، ۱۳۸۶، ص. ۵۵۹). بر اساس این تئوری، می‌توان گفت در صورت وجود سرمایه‌ی اجتماعی مثبت، وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی، اعضای جامعه به آسیب‌های اجتماعی رو نمی‌آورند، چراکه در این صورت شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و در این فرآیند هزینه‌ی زیادی متحمل خواهند شد (چلبی & مبارکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۰). در مرکز این دیدگاه نظری، کنشگر هدفمند قرار دارد بر این اساس کنشگران با توجه به منافع‌شان آگاهانه دست به انتخاب می‌زنند.

ماهیت این پژوهش به نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی نزدیک‌تر است. با توجه به سرعت تغییرات حاصل از مدرنیته، پیشرفت‌های تکنولوژی و بی‌سازمانی ناشی از آن، فشار فزاینده‌ای بر اعضای جامعه تحمیل می‌گردد که سست شدن پیوندهای اجتماعی و اعتماد متقابل بین اعضای جامعه آن را تشدید نموده و زمینه را جهت بیگانگی اجتماعی و به دنبال آن بروز انواع آسیب‌ها فراهم می‌نماید.

1. Peter Michael Blau

2. George Casper Homans

۴. روش تحقیق

روش مطالعه‌ی حاضر ترکیبی (کمی و کیفی) است که به صورت هم‌زمان انجام شد، اولویت رویکرد روش‌شناختی در آن مطالعه کیفی است. در این مطالعه از راهبرد تودرتو (لانه‌ای) و مدل همبستگی (پدیدار شناختی) استفاده گردید. طرح تودرتو یکی از روش‌های ترکیبی است که در آن یک مجموعه داده، نقش حمایتی و ثانویه را بر اساس داده‌های اولیه نوع دیگر فراهم می‌آورد، مفروضات اساسی این طرح عبارتند از؛ اینکه یک مجموعه داده به‌تنهایی کافی نیست، باید به سؤال‌های مختلف جواب داد و برای پاسخگویی به هر سؤال به انواع مختلفی از داده‌ها نیاز هست (کلارک & کرسول، ۱۳۹۸، ص. ۷۴). در مدل همبستگی، داده‌های کیفی درون یک طرح کمی جای می‌گیرند. در این مدل، پژوهشگر داده‌ها را به‌عنوان بخشی از مطالعه‌ی همبستگی خود جمع‌آوری می‌کند تا بتواند توضیح دهد که چه مکانیسم‌هایی در مدل همبستگی دخالت دارند (کلارک & کرسول، ۱۳۹۸، ص. ۷۷). بخش کمی این مطالعه به روش پیمایش انجام شد، داده‌ها از میان جامعه‌ی آماری دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در تمام مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بر اساس راهبرد نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، گردآوری شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر برآورد گردید، سپس به‌تناسب جمعیت دانشجویان دو دانشگاه حجم نمونه در دو طبقه به شرح جدول زیر محاسبه شد.

جدول ۱. حجم نمونه بر اساس طبقات دانشگاه محل تحصیل

دانشگاه	جامعه آماری	حجم نمونه
تهران	۵۳,۴۸۸	۲۱۰
علوم و تحقیقات	۴۴,۴۴۵	۱۷۵

با توجه به توزیع آنلاین پرسشنامه‌ها ۴۱۰ پرسشنامه، (۲۳۰ نفر دانشجوی دانشگاه تهران و ۱۸۰ نفر دانشجوی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات) از مشارکت‌کنندگان دریافت و مورد ارزیابی قرار گرفت.

سنجش بیگانگی اجتماعی با مقیاس اسرول انجام شد، این مقیاس دارای ۵ گویه در فرم مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم ۵، موافقم ۴، بی‌نظر ۳، مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱، نمره‌گذاری می‌شود. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش (غفوری کله & محسنی تبریزی، ۱۳۹۷) به میزان ۰.۸۳۴ محاسبه گردید، برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی از پرسشنامه ۲۰ سؤالی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی که توسط (رفیعی، موسوی، & قاسم زاده، ۱۳۹۵) ساخت و روا سازی شده است، استفاده شد. نتایج حاصل از پایایی پرسشنامه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ در مطالعه رفیعی و همکاران ۰/۸۱ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ۲۵ spss انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر آمارهای توصیفی از آمارهای استنباطی و آزمون آماری رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی گام‌به‌گام استفاده شد. در مرحله‌ی کیفی در مورد نگرش‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان در خصوص بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی، مصاحبه‌های کیفی انجام گردید تا نتایج آن در درون داده‌های کمی قرار داده شود و به بیان رابطه‌های پیش‌بینی‌کننده کمک نماید. در بخش کیفی از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته از ۱۶ نفر از دانشجویان در مقاطع مختلف از دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات و دانشگاه تهران، مصاحبه‌هایی انجام شد. هفت نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه، دانشجوی دانشگاه علوم و تحقیقات و ۹ نفر دانشجوی دانشگاه تهران بودند، مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری، ادامه یافت. مرحله اشباع زمانی بود که داده‌ها توسط پژوهشگر تکراری تشخیص داده شد، در طول مصاحبه با رعایت اصول اخلاق در پژوهش و با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان مصاحبه ضبط گردید تا در زمان مناسب توسط پژوهشگر، پیاده و کدگذاری شود. با استفاده از روش تحلیل تماتیک متن مصاحبه‌ها، کدگذاری و مقوله‌بندی شدند، برای کدگذاری داده‌های کیفی از نرم‌افزار اطلس تی آی استفاده شد، برای دستیابی به اعتماد در بخش کیفی (معادل اعتبار در پژوهش‌های کمی) از تکنیک ممیزی

(محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۷) استفاده شد و از دو نفر متخصص در امر اجتماعی درخواست شد که بر نحوه‌ی کدگذاری‌ها و استخراج مقولات نظارت نموده و آن‌ها را بررسی نمایند. از مجموع ۲۲۵ کد استخراج‌شده پس از رفت و برگشت و غور در کدها در مجموع ۱۵۵ کد استخراج شد، داده‌ها با استفاده از ماتریس و با استفاده از شیوه‌ی بحث و بررسی ادغام شدند، تبدیل داده‌های کیفی به کمی با شمارش کدها و استخراج فراوانی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار اتلس تی‌آی انجام شد.

۴-۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

- بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیتی بیان می‌کنند که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوا، تنفر از خود، بروز می‌دهد (Seeman, 1959، ص. ۷۸۳).

جدول ۲. تعریف عملیاتی مقیاس بیگانگی اجتماعی

ردیف	گویه
۱	فکر می‌کنم این روزها بیان مشکلات به مسئولان جامعه چندان تمرینش نباشد
۲	فکر می‌کنم این روزها کمتر بتوان به کسی اعتماد کرد
۳	فکر می‌کنم در فکر حال بودن (دم را غنیمت شمردن) بهتر از در فکر آینده بودن باشد
۴	فکر می‌کنم اوضاع و احوال خیلی از مردم عادی روز به روز بهتر می‌شود
۵	فکر می‌کنم در عصری زندگی می‌کنم که کمتر می‌توانم به آینده خوش‌بین باشم

- سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و قرین همبستگی و انسجام اجتماعی است، حمایت اجتماعی لازم را برای افراد و گروه‌ها به وجود می‌آورد و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی را میسر می‌سازد (عبداللهی & موسوی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۲). سرمایه اجتماعی با گویه‌هایی که در جدول زیر آورده شده است ارزیابی می‌شود:

جدول ۳. تعریف عملیاتی سرمایه‌ی اجتماعی

گویه	معرف
۱	همدلی و تعلق احساس تعلق و همدلی با دوستان، همکاران و همسایگان شرکت در فعالیت‌های جمعی دوستان، همکاران، همسایگان و سایر اهالی محل شرکت در فعالیت‌های جمعی افراد هم قوم و مذهب شرکت در فعالیت‌های جمعی افراد خانواده و خویشاوندان احساس دوستی، تعلق و همدلی با افراد هم قوم و هم‌مذهب خود می‌کنم
۲	علاقه متفاوت داشتن دوستانی با سبک پوشش، آرایش و اعتقادات دینی متفاوت
۳	سبک زندگی متفاوت داشتن دوستانی با سطح تحصیلات، قومیت و وضعیت اقتصادی متفاوت
۴	اعتماد اعتماد به افراد هم قوم و مذهب، دوستان و اهالی محل و اعضای خانواده و خویشاوندان
۵	مشارکت و همکاری همکاری و مشارکت در برطرف نمودن مشکلاتی افراد هم قوم و مذهب و دوستان، همکاران و اهالی محل

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های بخش کمی

در پاسخ به سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟ از تحلیل داده‌های جمع آوری شده از ۴۱۰ شرکت‌کننده در بخش کمی، این نتیجه حاصل شد که (۶۲/۲) درصد افراد مورد مطالعه زن و (۳۷/۸) درصد مرد، (۶۶/۶) درصد مجرد، (۳۰/۷) متأهل و (۲/۷) درصد بی‌همسر، (۵۴/۶) درصد غیر شاغل و (۴۵/۴) درصد شاغل، (۳۸/۸) درصد مقطع تحصیلی‌شان کارشناسی ارشد، (۳۷/۱) درصد کارشناسی و (۲۴/۱) درصد دکترا بودند. (۵۶/۱) درصد، دانشجوی دانشگاه تهران و (۴۳/۹) دانشجوی دانشگاه آزاد هستند در ادامه و برای بررسی رابطه‌ی میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و بیگانگی

اجتماعی

بیگانگی اجتماعی		متغیرهای
مقادیر پارامترهای آزمون همبستگی	پارامترهای آزمون همبستگی	اعتماد اجتماعی
-۰/۲۱	R	
۰/۰۰۱	p-value	

نتایج نشان داد که متغیر اعتماد اجتماعی با بیگانگی اجتماعی، ارتباط معکوس و معنی دار دارد، طوری که با افزایش اعتماد بین افراد مورد مطالعه از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کم می شود ($p\text{-value} < 0/05$).

در پاسخ به سؤال دوم که آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات رابطه وجود دارد؟ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می دهد که متغیرهای همدلی و تعلق و بیگانگی اجتماعی با هم ارتباط معکوس و معنی دار دارند و با افزایش همدلی افراد مورد مطالعه، از میزان بیگانگی اجتماعی آنها کم می شود ($p\text{-value} < 0/05$).

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین متغیرهای همدلی و تعلق و بیگانگی اجتماعی

بیگانگی اجتماعی		متغیرهای همدلی و تعلق
مقادیر پارامترهای آزمون همبستگی	پارامترهای آزمون همبستگی	
-۰/۱۳	R	
۰/۰۱	p-value	

برای بررسی رابطه ی رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر بیگانگی اجتماعی از مدل رگرسیونی چندگانه به روش همزمان و گام به گام استفاده شد، به طوری که، متغیرهایی که در تحلیل تک متغیره رابطه ی معنی دار با بیگانگی داشتند، برای بررسی ارتباطشان با بیگانگی اجتماعی در حضور متغیرهای دیگر وارد مدل رگرسیون چندگانه شدند.

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای پیش بینی بیگانگی اجتماعی

متغیرهای پیش بین	B	Sig	Beta	T	P
مقدار ثابت	17.262	.000		10.172	۰/۰۰۱
سن	-.014	.577	-.039	-.558	۰/۵۸
همدلی و تعلق	-.026	.455	-.040	-.748	۰/۴۶
علاقه متفاوت	.080	.021	.111	2.319	۰/۰۲
اعتماد	-.279	.001	-.185	-3.417	۰/۰۰۱

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان، حاکی از آن است که فرض ارتباط نداشتن مجموعه‌ی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تأیید نمی‌شود ($p\text{-value} < 0/05$). یعنی اینکه؛ متغیرهای اعتماد و همدلی به طور کلی با متغیر وابسته ارتباط رگرسیونی دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام برای پیش‌بینی بیگانگی اجتماعی

گام	متغیرهای پیش‌بین	بتا	T	p-value	R2	F	p-value
گام ۱	مقدار ثابت		۳۱/۵۱	<0/001	0/04	۱۸/۴۱	<0/001
	اعتماد	-0/۲۰۸	-۴/۲۹	<0/001			
	مقدار ثابت		۲۳/۵۰	<0/001			
گام ۲	اعتماد	-0/۲۱۱	-۴/۴۰	<0/001	0/06	۱۳/۶۳	<0/001
	علاقه متفاوت	0/۱۴۰	۲/۹۲	0/004			
	مقدار ثابت		۲۳/۴۸	<0/001			
گام ۳	اعتماد	-0/۱۹۹	-۴/۱۶	<0/001	0/08	۱۱/۲۴	<0/001
	علاقه متفاوت	0/۱۴۱	۲/۹۵	0/003			
	مقدار ثابت		۲۳/۰۹	<0/001			
	اعتماد	-0/۲۰۰	-۴/۱۹	<0/001			
گام ۴	علاقه متفاوت	0/۱۴۳	۳/۰۱	0/003	0/09	۹/۸۹	<0/001
	درآمد ده تا سیزده میلیون	-0/۱۲۲	-۲/۵۵	0/011			
	مقطع کارشناسی ارشد	0/۱۱۱	۲/۳۴	0/020			
	مقدار ثابت		۲۲/۰۸	<0/001			
	اعتماد	-0/۱۸۸	-۳/۹۳	<0/001			
گام ۵	علاقه متفاوت	0/۱۲۹	۲/۷۰	0/007	0/۱۰	۸/۸۳	<0/001
	درآمد ده تا سیزده میلیون	-0/۱۱۸	-۲/۴۸	0/014			
	مقطع کارشناسی ارشد	0/۱۰۸	۲/۲۹	0/022			
	مجرد	0/۰۹۹	۲/۰۶	0/040			

به منظور مشخص کردن قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی بیگانگی اجتماعی از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل (جدول ۷) نشان داد که متغیر اعتماد، بعنوان قوی‌ترین متغیر پیش‌بین، به تنهایی ۴ درصد واریانس بیگانگی اجتماعی را تبیین می‌کند.

۵-۲. یافته‌های بخش کیفی

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، مبنی بر اینکه سرمایه‌ی اجتماعی چگونه و از طریق کدام عوامل افزایش می‌یابد تا باعث کاهش بیگانگی اجتماعی شود؟ از ۱۶

نفر از دانشجویان دانشگاه‌های آزاد واحد علوم تحقیقات و دانشگاه تهران مصاحبه انجام شد، از این تعداد ۱۰ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۰٫۵ سال بود. از تحلیل یافته‌ها ۱۹ مقوله‌ی اصلی به شرح جدول زیر استخراج گردید.

جدول ۸. ماتریس مقولات کدها و فراوانی هر طبقه (عوامل تأثیرگذار در سرمایه اجتماعی و بیگانگی

(اجتماعی)

بعد	مقولات	تعداد کدها	مجموع فراوانی	درصد فراوانی
فرهنگی	جهانی شدن	۸	۱۳	۷٫۲
	تغییر در ارزش ها و سبک زندگی	۴	۹	۵
	ساخت روابط جنسی	۹	۱۴	۷٫۸
	رسانه	۵	۱۳	۷٫۲
	آموزش و پرورش	۱۰	۱۳	۷٫۲
	ارزش های دینی	۳	۵	۲٫۷
	آموزش عالی	۸	۹	۵
اجتماعی	فضاهای عمومی	۳	۸	۴٫۴
	رفاه اجتماعی	۶	۷	۳٫۹
	احساس محرومیت نسبی	۸	۹	۵
	هنجارهای عمومی	۷	۸	۴٫۴
	خانواده	۲	۳	۱٫۶
	کفایت اجتماعی	۱۰	۱۶	۸٫۹
	شبکه اعتماد متقابل	۵	۷	۳٫۹
سیاسی	حکمرانی خوب	۱۳	۱۶	۸٫۹
	شایسته سالاری	۵	۵	۲٫۷
	مدیریت در بحران	۴	۵	۲٫۷
اقتصادی	بی ثباتی اقتصادی	۷	۷	۳٫۹
	اشتغال و کسب و کار	۸	۱۲	۶٫۷

جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه‌ی حاضر با هدف شناخت عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی در مقابله با بیگانگی اجتماعی با استفاده از رویکرد ترکیبی و در پاسخ به سوالات زیر انجام شد.

سؤال این پژوهش در بخش کیفی، این است که چه عواملی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی شود. در بخش کمی این سوالات مطرح می‌شود که آیا میان احساس همدلی و تعلق اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات

رابطه وجود دارد؟ آیا میان اعتماد اجتماعی و بیگانگی اجتماعی، در بین دانشجویان رابطه وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤالات و با توجه به یافته‌های بخش کمی، متغیر اعتماد ($R = -0.21$) با متغیر بیگانگی رابطه معکوس و معنادار دارد، به این مفهوم که هر چه میزان اعتماد بالا باشد، بیگانگی اجتماعی کاهش خواهد داشت. نتایج این مطالعه با پژوهش (بنی فاطمه & رسولی، ۱۳۹۰) (Kuchenkova, 2017)، همسو می‌باشد. همدلی و تعلق، متغیر دیگری است که با بیگانگی اجتماعی، رابطه معنادار و منفی دارد، ($R = -0.13$) (۰،۰۱) مطالعه شهریاری & نبوی، ۱۳۹۳)، نتایج این مطالعه را تأیید می‌نماید.

در بخش کیفی با تمرکز بر دلایل کلان تأثیرگذار بر دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی مجموعاً، ۲۲۵ کد استخراج شد که پس از رفت و برگشت و غور در کدها در مجموع ۱۵۵ کد مشترک در عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی استخراج گردید که چهار بعد و ۱۹ مقوله، شامل عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی حاصل استخراج شواهد میدانی مطالعه بود. عامل فرهنگی، شامل جهانی‌شدن با فراوانی و (درصد فراوانی) ۱۳ (۷،۲)، تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی ۹ (۵)، ساخت روابط جنسی ۱۴ (۷،۸)، رسانه ۱۳ (۷،۲)، آموزش و پرورش ۱۳ (۷،۲)، ارزش‌های دینی ۵ (۲،۷)، آموزش عالی ۹ (۵) می‌باشد. عامل اجتماعی، مقولات فضاهای عمومی ۸ (۴،۴)، رفاه اجتماعی ۷ (۳،۹)، احساس محرومیت نسبی ۹ (۵)، هنجارهای عمومی ۸ (۴،۴)، خانواده ۳ (۱،۶)، کفایت اجتماعی ۱۶ (۸،۹) و شبکه‌ی اعتماد متقابل ۷ (۳،۹) را در بر می‌گیرد. عامل سیاسی، شامل حکمرانی خوب ۱۶ (۸،۹)، شایسته‌سالاری ۵ (۲،۷)، مدیریت در بحران ۵ (۲،۷) و عامل اقتصادی در برگیرنده‌ی مقولات بی‌ثباتی اقتصادی ۷ (۳،۹)، اشتغال و کسب و کار ۱۲ (۶،۷) می‌باشد.

بیشترین فراوانی مقولات مستخرج از نگرش مشارکت کنندگان در خصوص عوامل مؤثر در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی مربوط به حکمرانی خوب، کفایت اجتماعی، جهانی‌شدن، رسانه، آموزش و پرورش،

ساخت روابط جنسی، اشتغال، آموزش عالی و احساس محرومیت نسبی است. مقوله‌ای که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد، حکمرانی خوب^۱ است. این نکته، بیانگر این است که بر اساس نگرش مشارکت‌کنندگان دولت می‌تواند با نقش راهبردی و تسهیل‌کننده، سطوح مختلف جامعه را هدایت کند. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند (سامتی، رنجبر، & محسنی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۶). نتایج این مطالعه با پژوهش (علمی & پاشایی، ۱۳۹۶) (زاینده رودی، خسروآبادی، & شکیبایی، ۱۳۹۶) که نشان دادند حکمرانی خوب عاملی در جهت کاهش نابرابری‌ها، خشونت و آسیب‌های اجتماعی است، همسو می‌باشد. متغیر کفایت اجتماعی^۲ بعد از حکمرانی خوب، از منظر مشارکت‌کنندگان به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی می‌باشد. تراور^۳ و همکاران ۱۹۷۸ معتقد هستند که کفایت اجتماعی، داشتن مهارت‌های رفتار اجتماعی است، آن‌ها بیان داشته‌اند که اگر شخصی بتواند بر رفتار دیگران به طریقی تأثیر بگذارد که از نظر اجتماعی مقبول است، دارای کفایت اجتماعی قلمداد می‌شود، قابلیت‌ها و کفایت‌های اجتماعی بر پایه‌ی استعدادهای عاطفی و هیجانی شکل می‌گیرند، برای مثال کسانی که تأثیرات اجتماعی عمیقی بر جای می‌گذارند بر نحوه ابراز احساسات خود نظارت دقیقی دارند و از این‌رو همواره می‌توانند عملکرد اجتماعی خود را به‌خوبی تنظیم کنند، به‌گونه‌ای که مطمئن شوند تأثیر مطلوب بر جای می‌گذارند (قنبری & پورشهریاری، ۱۳۹۵، ص. ۳۵). نتایج بخش کیفی نشان می‌دهد که کفایت اجتماعی و احساس توانمندی در افراد در برقراری ارتباط و مسئولیت‌پذیری در جامعه، عاملی در کاهش بیگانگی و افزایش سرمایه اجتماعی است. این بخش از یافته‌ها با مطالعه‌ی اسدیان و پیری هم‌راستا است (اسدیان & پیری، ۱۳۹۰). آنچه مشخص است در دوران کنونی، جهانی

1. Good Governance

2. Social Competence

3. Trower

شدن^۱ و انقلاب ارتباطات الکترونیکی موجب درهم ریختن فاصله‌ها و عاملی در دگرگون شدن روابط اجتماعی و کنشی بین افراد جامعه است، تغییر در برخی از شاخص‌های رفتاری حاصل از تغییرات ناشی از مدرنیته و در هم شکستن فواصل در دهکده‌ی جهانی ارتباطات، موجی از تغییرات را در سبک زندگی و ارزش‌ها و باورهای جمعی به دنبال داشته است. ویژگی این تغییرات، بروز سبک‌های جدید مصارف رسانه‌ای در روابط اجتماعی و در فضاهای مجازی است، نقش رسانه^۲ در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی بر کسی پوشیده نیست. نتایج این مطالعه با مطالعات (علیزاده اقدم، سلطانی بهرام، علیزاده اقدم & بابایی آذر ۱۳۹۴) (Fisher, 2012) که نشان می‌دهند که بین میزان فعالیت در دنیای مجازی و بیگانگی اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد، هم راستا می‌باشد. عامل اثرگذار دیگر، باورهای جنسیتی و توجه به ساختارهای جنسی است، شیوه‌های رفتار با زنان به عنوان نیروهای اثرگذار در تحولات جامعه، نیاز به اصلاح و رسیدگی دارد تا این بخش از جامعه از آسیب‌ها و سوء رفتارهای ناشی از ویژگی‌های جنسی در امان مانده و نقش حساس خود را در ارتقای جامعه به سرانجام رسانند. یافته‌ها نشان داد کلیشه‌های جنسیتی^۳ عامل بروز بیگانگی اجتماعی است. نابرابری جنسیتی عبارت است از؛ برخورد یا عملی بر اساس جنسیت افراد که به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد و نشان‌دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکاناتی مانند امکانات آموزشی است. جنسیت، یکی از ویژگی‌های طبیعی افراد است که در بیشتر جوامع بر پایه‌ی معیارهای فرهنگی- اجتماعی ارزیابی می‌شود و در سال‌های اخیر، در کنار قومیت، به یکی از پایه‌های اساسی نابرابری اجتماعی تبدیل شده است. شکل‌های گوناگونی از نابرابری جنسیتی در سطح جهان دیده می‌شود که وضعیت نابسامان بهداشت، تغذیه، آموزش، آگاهی و اشتغال از جمله مصادیق آن هستند (بخارایی، ۱۳۹۴، ص. ۶۰). نتایج این مطالعه با پژوهش (معینیان، ۱۳۹۶) که نشان داد تصورات قالبی جنسی باعث احساس

1. Globalization

2. Media

3. Gender stereotypes

نابرابری و بروز آسیب می‌شود، هم سو می‌باشد.

یافته‌های کیفی نشان داد نقش آموزش و پرورش^۱ و آموزش عالی^۲ به عنوان دو متغیر تأثیرگذار در کاهش بیگانگی اجتماعی و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش و پرورش با وظایف خطیر و گسترده‌ای که دارد، آثار دگرگون کننده‌ای بر نسل آینده خواهد گذاشت. در دوران کودکی و نوجوانی، بسیاری از استعدادها شکوفا شده و چه بسا بسیاری به شکل ناآگاهانه حتی سرکوب شوند، رونق بخشیدن به نهاد آموزش و پرورش و توجه به این نهاد مهم و به دنبال آن آموزش عالی، ثمرات زیادی برای جوامع دارد. توجه به آموزش‌های معطوف به فرصت شغلی و آموزش‌های عملی از ناامیدی و سرگردانی نیروهای جوان خواهد کاست و انگیزه‌ای برای کمک به ارتقا جامعه خواهد بود. نتایج این مطالعه در راستای نتایج مطالعه (Janis Swenson, 2001) می‌باشد، وی به این نتیجه رسید که هرچه بیگانگی اجتماعی بیشتر باشد، رضایت از نظام آموزش عالی کمتر است.

بدیهی است بیکاری و تهدیدهای مربوط به آن باعث ناامیدی، ناامنی و بی‌اعتمادی جوانان جامعه می‌شود. فشار ناشی از عدم قطعیت، زمینه را برای ارتکاب به بسیاری از جرائم در بین افراد جامعه مهیا می‌سازد، شاید این مسئله‌ای باشد که نتوان به راحتی از کنار آن عبور کرد، وقتی افراد جامعه، احساس ناامنی کنند، عکس‌العملی نشان خواهند داد که کمترین آن بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت آن جامعه و گرفتار شدن به بی‌هویتی است. بی‌اعتمادی به نظام مالی و اقتصادی و ورشکستگی‌های اخیر در بازار بورس و سهام، نمونه‌هایی از ناامنی‌های اخیر است. (درگاهی & بیرانوند، ۱۳۹۷) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که تکانه‌های منفی در اقتصاد با افزایش فقر، بیکاری و گسترش آسیب‌های اجتماعی چون طلاق، اعتیاد و جرم ارتباط دارد و افزایش آسیب‌های اجتماعی موجب کاهش سرمایه‌ی انسانی، بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود.

1. Education

2. Higher Education

تجربه‌ی محرومیت نسبی^۱ در بین گروه‌های مختلف، وضعیتی نگران‌کننده است، توزیع نامتناسب خدمات رفاهی در فضاهاى شهری، انسجام و همدلی را در معرض نابودی قرار داده بذر کینه و عداوت را بین طبقات مختلف جامعه می‌کارد، مقایسه‌ی مداوم هم‌تایان و تنش‌های روانی حاصل از این مقایسه، جامعه را از مشارکت بخش عظیمی از نیروهای فعال محروم خواهد ساخت که باید مورد توجه قرارگیرد. دوگانگی‌های موجود در جامعه، تفاوت مشهود بین آنچه هست و آنچه ادعا می‌شود، پیام‌های رسانه‌های گروهی و برخی حقایق تحریف شده در شبکه‌های مجازی، اثرات زیان‌باری بر کنشگران اجتماعی باقی می‌گذارد. نتایج مطالعه (Stiles B. L., 2000) (Kawachi I., 1999) که به این نتیجه رسیدند که احساس محرومیت نسبی در اتخاذ الگوهای انحرافی و جرم نقش دارد، با این مطالعه هم‌خوان است.

همان‌طور که از نتایج برمی‌آید، بی‌اعتمادی، بدبینی و کاهش سرمایه‌های جمعی نه تنها یک جنبه بلکه، تمام ابعاد زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در این شرایط میل به مهاجرت در اذهان جوانان و آرزوی جستن زندگی بهتر در جایی دیگر، انگیزه‌ی تلاش را از نیروهای فعال جامعه می‌رباید و یا آنها را در ورطه بی‌تفاوتی فرو می‌برد. بی‌ثباتی‌های اقتصادی، افول مشارکت‌های عمومی را دربرداشته و همکاری با دولت را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد، آنچه برمی‌آید، این است که بیگانگی مسئله‌ی اجتماعی حال حاضر ما است، به طور کلی، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی توجه همه جانبه به عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. سرمایه‌ی اجتماعی، بین فرد و ساختارهای جامعه پیوندهایی را به وجود می‌آورد و به عنوان یک عامل حفاظتی باعث کاهش بیگانگی اجتماعی می‌گردد. نباید از این مهم غافل شد که سرمایه‌ی اجتماعی عاملی در توسعه‌ی جوامع انسانی است، پس با توجه به اهمیت آن باید سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در برنامه‌های توسعه‌ای به تقویت و ارتقای سرمایه‌ی

اجتماعی توجه کافی داشته باشند.

در این پژوهش، ضمن اینکه سعی شد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه‌ی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی بررسی شود، تلاشی در جهت واکاوی این دو مقوله و کشف محتواهای تجربه زیسته به عمل آمد. آنچه مسلم است، رابطه‌ی بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی، متداخل و دوسویه است، هرچه در جامعه‌ای بیگانگی اجتماعی بالا باشد، سرمایه‌ی اجتماعی کاهش می‌یابد و یا در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

در ادامه پیشنهادهایی جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی وضعیت بیگانگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی را از نظر روندی با کمک استراتژی‌های و استنباط و استخراج یافته‌های مطالعات، بستری جهت تولید ایده‌های خلاقانه.
- بازنگری در محتوای درسی در آموزش و پرورش و آموزش عالی در جهت توانمندسازی دانشجویان و دانش‌آموزان جهت ارتقاء توانمندی‌های موردنیاز جامعه.
- توجه ویژه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی.
- تقویت رابطه‌ی میان حاکمیت و نظام سیاسی و مردم در سطوح خرد و کلان و ایجاد بستر مناسب جهت جلب اعتماد اجتماعی.
- توجه به نهادهای اصلی جامعه، چون نهاد خانواده و نقش آن در اعتلای جوامع انسانی.
- توجه به نیازهای جوانان، فراهم نمودن زمینه‌ی اشتغال و حمایت از کسب‌وکارهای نوپا.
- مدیریت صحیح جامعه، بخصوص در شرایط بحرانی به عنوان عاملی جهت کسب اعتماد بین دولت و مردم.

منابع و مآخذ

- آرون، ر. (1387). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- آزاد ارمکی، ت. &، بهار، م. (1377). *بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: موسسه نشر جهاد.
- اسدیان، س. &، پیری، م. (1390). رابطه بین عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس. *علوم رفتاری*. 41-25،
- اکبری، ا. (1383). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسینجاز توابع سنقر). (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- بخارایی، ا. (1394). تحلیلی بر عوامل فرهنگی-اجتماعی موثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه ی زنان متاهل 20-49 سال شهر اصفهان). *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی*. 82-59،
- بنی فاطمه، ح. &، رسولی، ز. (1390). بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. *جامعه شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*. 26-1،
- پیران، پ. (1392). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه ی اجتماعی*. تهران: چاپ اول نشر علمی.
- تقی لو، ف. (1385). بررسی رابطه ی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. 257-240،
- توفیقیان، فر. ع. ح. &، حسینی، س. (1391). بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان*. 58-45،
- چلبی، م. (1384). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: چاپ هفتم. نشر نی.
- چلبی، م. &، مبارکی، م. (1384). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان. *مجله انجمن جامعه شناسی ایران*. 44-3،
- خواجه نوری، ب. &، دهقانی، ر. (1395). مطالعه رابطه بین تعارضات خانوادگی و عزت نفس نوجوانان (مورد مطالعه: دانش آموزان شهر شیراز). *علوم اجتماعی*. 61-45،

خواجه نوری دب، پنهانی نسب، ص، جهانبازیان، ص &، دامیار، ا. (1395). بررسی رابطه بین سبک‌های والدینی با از خود بیگانگی نوجوانان (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر شیراز در سال (1390-91 علوم اجتماعی-1، 22.

درگاهی، ح &، بیرانوند، ا. (1397). بررسی رابطه آسیب‌های اجتماعی و رشد اقتصادی ایران با تاکید بر سرمایه انسانی در الگوی رشد درون‌زا: رویکرد DSGE. **برنامه ریزی و بودجه**، 59-100،

رضایی، م، بساطیان، س &، جعفریان، م. (1394). عوامل اجتماعی موثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم آباد. **مطالعات ملی**، 83-99،

رفیعی، ح، موسوی، م &، قاسم زاده، د. (1395). ساخت و رواسازی پرسشنامه سنجش سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی. **رفاه اجتماعی**، 161-179،

ریتزر، ج. (1386). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. تهران: نشر نی.
زاینده رودی، م، خسروآبادی، م، & شکیبایی، ع. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با به کارگیری. پژوهشهای رشد و توسعه پایدار (پژوهشهای اقتصادی)، ۲۵-۵۲

سامتی، م، رنجبر، ه &، محسنی، ف. (1390). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). **پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، 183-223،

سراج زاده، س، قصابی، ر &، چمنی، س. (1391). بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس. **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، 103-125،

شهریاری، م &، نبوی، س. (1393). علل و پیامد تعارض کار خانواده و بررسی بیگانگی از کار به عنوان یکی از پیامدهای آن. **پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران**، 45-59،

عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، م &، اسلامی بناب، س. (1391). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. **مطالعات و تحقیقات اجتماعی**، 145-172،

عبداللهی، م &، موسوی، م. (1386). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. **رفاه اجتماعی**، 195-233،

علیزاده اقدم، م، سلطانی بهرام، س، علیزاده اقدم، ف، & بابایی آذر، س. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط رسانه‌های جمعی با بیگانگی اجتماعی مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تبریز. **سومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی**.

غفاری، غ. (1394). گزارش پیمایش ملی سرمایه‌ی اجتماعی در ایران. تهران: بینا.
غفوری کله، م &، محسنی تبریزی، ع. (1397). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر اشکال و موضوعات بیگانگی (از خود، از جامعه و از سیاست) (در نزد شهروندان بالغ تهرانی. **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، 185-208،

قنبری ح. & پورشهریاری م. (1395). سبک‌های شوخ‌طبعی، هوش هیجانی و کفایت اجتماعی در دانشجویان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. 79-108.

کاظمی ا. & عریضی سامانی س. (1387). بررسی رابطه بین سبک والدینی مادر با الگوی مصرف سیگار در دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی*. 104-118.

کریمیان ع. & غفوری کله س. (1399). نقش سرمایه اجتماعی در میزان بیگانگی سیاسی شهروندان تهرانی. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. 171-198.

کلارک و. & کرسول ج. (1398). *روش‌های پژوهش ترکیبی*. تهران: آبیژ.

محسنی تبریزی ع. (1395). *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری*. تهران: اطلاعات.

معینیان، ن. (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به نقش تصورات قالبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری این تصورات قالبی در فرهنگ ایران. *زن و مطالعات خانواده*. ۱۶۳-۱۷۹.

میری مهرا، م. & میری تبریزی، ع. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین از خودبیگانگی (بحران هویت) جوانان و میزان گرایش آنان به انحرافات اجتماعی (مورد مطالعه جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر کرمانشاه). *فصلنامه علمی دانش نظامی*. ۶۷-۷۶.

هزارجریبی ج. & صفری شالی ر. (1390). *رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران. پژوهش و برنامه ریزی شهری*. ۱-۲۲.

DELLER, S. C. (2010). Rural Crime and Social Capital. *Growth and Change*, 221-275.

Fisher, E. (2012). How Less Alienation Creates More Exploitation? Audience Labour on Social Network Sites. *tripleC: Communication, Capitalism & Critique*, 171-183.

Furr-Holden CD, L. M. (2011). The Growth of Neighborhood Disorder and Marijuana Use Among Urban Adolescents: A Case for Policy and Environmental Interventions. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, 371-379.

Janis Swenson, T. (2001). Through a Critical Lens: Native American Alienation from Higher Education. *ERIC*, 1-27.

Kawachi, I. S. (2008). *Social Capital and Health*. New York: Springer Publication.

Kawachi, I., Kennedy, BP, Wilkinson, RG (1999). "Crime: social disorganization and relative deprivation." *Social science & medicine* 48(6): 719-731.

Krishna, A. &. (1999). *Social Capital Assessment Tool. Instruments of the Social Capital Assessment Tool*.

- Krisotakis, G. G. (2004). What is social capital and how does it relate to health? *International Journal of Nursing Studies*, 43-50.
- Kuchenkova, A. (2017). "Russian intelligentsia and institutions: trust or alienation? *Political sociology*.
- Lafferty, L. C. (2015). Indicators of social capital in prison: a systematic review. *Health & Justice*, 3-7.
- Lundborg, P. (2005). Lundborg P: Social capital and substance use among Swedish. *Social science & medicine*, 1151-1158.
- Pekkan, N. U. (2019). T The Effect of Social Capital on Work Alination: Sample from Health Sector Employees. 3rd International Scientific Conference on Business and Economics, 1-747.
- Safipour, J. (2011). Feelings of social alienation: a comparison of immigrant and non-immigrant Swedish youth. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Seeman, M. (1959). On The Meaning of Alienation. *American Sociological Association*.
- Shortt, S. (2004). Making sense of social capital, health and policy. *Health Policy*, 11-22.
- Stiles, B. L., Liu,X., Kaplan, H,B. (2000). "Relative deprivation and deviant adaptations: The mediating effects of negative self-feelings." *Journal of Research in crime and delinquency*: 64-90.
- Weitzman, E. R. (2005). Risk modifying effect of social capital on measures of heavy alcohol consumption, alcohol abuse, harms, and secondhand effects: national survey findings. *Journal of Epidemiology & Community*.
- Winstanley EL, S. D. (2008). The association of self-reported neighborhood disorganization and social capital with adolescent alcohol and drug use, dependence, and access to treatment. *Drug and Alcohol Dependence*, 173-182.

References

- Abbaszadeh, Mohammad, Alizadeh Aghdam, M., & Islami Bonab, S. (2012). Investigating the relationship between social capital and social anomie. *Social Studies and Research*, 145-172.(In persian)
- Abdullahi, M., & Mousavi, M. (2007). Social capital in Iran; Current status, future prospects and feasibility of transition. *Social Welfare*, 195-233. (In persian)
- Akbari, A. (2004). The role of social capital in participation: The effect of social capital on political and social participation (Case study of Farsanjaz village, Songhar functions). . Master Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.(In persian)
- Alizadeh Aghdam, M., Soltani Bahram, S., Alizadeh Aghdam, F., & Babaei Azar, S. (2015). Investigating the relationship between mass media and social alienation studied by Tabriz University students. Third National Conference on Sociology and Social Sciences.(In persian)
- Arun, R. (2008). Basic stages of thought in sociology. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Asadian, S., & Piri, M. (2011). The relationship between family performance and social adequacy of students of Islamic Azad University, Salmas Branch. *Behavioral Sciences*, 25-41.(In persian)
- Azad Armaki, T., & Bahar, M. (1998). Examining social issues. Tehran: Jihad Publishing Institute.(In persian)
- Bani Fatemeh, H., & Rasooli, Z. (2011). Investigating the extent of social alienation among students of Tabriz University and related factors. *Applied Sociology (Research Journal of Humanities, University of Isfahan)*, 1-26.(In persian)
- Bukharaee, A. (2015). An analysis of socio-cultural factors affecting gender

- inequality (Study of married women aged 20-49 in Isfahan). Journal of Social and Cultural Development Studies, 59-82.(In persian)
- Chalabi, M(2005) Sociology of order: theoretical description and analysis of social order. . Tehran: Seventh Edition. Ney Publications.(In persian)
- Chalabi, M., & Mubaraki, M. (2005). Analysis of the relationship between social capital and crime at the micro and macro levels. Journal of the Iranian Sociological Association, 3-44.(In persian)
- Clark, W., & Cresswell, J.; (2019). Combined research methods. Tehran: Ayizh.
- Dargahi, H., & Biranvand, A. (2018). Investigating the Relationship between Social Injuries and Economic Growth in Iran with Emphasis on Human Capital in Endogenous Growth Pattern: DSGE Approach. Planning and Budgeting, 59-100.(In persian)
- Deller, S. C. (2010). Rural Crime and Social Capital. Growth and Change, 221-275.
- Fisher, E. (2012). How Less Alienation Creates More Exploitation? Audience Labour on Social Network Sites. tripleC: Communication, Capitalism & Critique, 171-183.
- Furr-Holden CD, L. M. (2011). The Growth of Neighborhood Disorder and Marijuana Use Among Urban Adolescents: A Case for Policy and Environmental Interventions. Journal of Studies on Alcohol and Drugs, 371-379.
- Gafari,G(2015) National Social Capital Survey Report in Iran. Tehran: Bina. (In persian)
- Ghafouri Koleh, M., & Mohseni Tabrizi, A. (2018). Sociological explanation of the effect of religiosity on the forms and issues of alienation (from oneself, society and politics) in the eyes of adult citizens of Tehran. A Study of Social Issues in Iran, 185-208.(In persian)
- Ghanbari, H., & Pourshahriari, M. (2016). Humorous styles, emotional intelligence and social adequacy in students. New Educational Thoughts, 79-108.(In persian)
- Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2011). Social Welfare and Factors Affecting it: A Case Study of Tehran. Urban Research and Planning, 1-22.(In persian)
- Janis Swenson, T. (2001). Through a Critical Lens: Native American

- Alienation from Higher Education. ERIC, 1-27.
- Karimian, A., & Ghafouri Kaleh, S. (2020). The role of social capital in the degree of political alienation of Tehran citizens. *Political Sociology of Iran*, 171-198. (In persian)
- Kawachi, I. S. (2008). *Social Capital and Health*. New York: Springer Publication.
- Kawachi, I., Kennedy, BP, Wilkinson, RG (1999). "Crime: social disorganization and relative deprivation." *Social science & medicine* 48(6): 719-731.
- Kazemi, A., & Arizi Samani, S. (2008). Investigating the relationship between maternal parenting style and smoking pattern in students. *Journal of Psychology*, 104-118. (In persian)
- Khajeh Nouri, B., & Dehghani, R. (2016). Study of the relationship between family conflicts and adolescents' self-esteem (Case study: Shiraz students). *Social Sciences*, 45-61. (In persian)
- Khajeh Nouri, B., Panahi Nasab, P., Jahanbazian, P., & Damiar, A. (2016). Investigating the relationship between parenting styles and adolescent self-alienation (a case study of male and female high school students in Shiraz in 2011-2012). *Social Sciences*, 1-22. (In persian)
- Krishna, A. &. (1999). *Social Capital Assessment Tool*. Instruments of the Social Capital Assessment Tool.
- Krisotakis, G. G. (2004). What is social capital and how does it relate to health? *International Journal of Nursing Studies*, 43-50.
- Kuchenkova, A. (2017). "Russian intelligentsia and institutions: trust or alienation? Political sociology.
- Lafferty, L. C. (2015). Indicators of social capital in prison: a systematic review. *Health & Justice*, 3-7.
- Lundborg, P. (2005). Lundborg P: Social capital and substance use among Swedish. *Social science & medicine*, 1151-1158.
- Miri Mehra, M., & Miri Tabrizi, A. (2013). Investigating the relationship between self-alienation (identity crisis) of young people and their tendency to social deviations (a study of 15-29 year olds in Kermanshah). *Journal of Law Enforcement Science* 67-76. (In persian)
- Moeenian, N. (2017) A sociological look at the role of gender stereotypes in occupational discrimination against women and the underlying factors

- affecting the formation of these stereotypes in Iranian culture. Women and family studies. *Women and Family Studies*, 163-179. (In persian)
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). Qualitative research methods in interpretive schools. Tehran: Information. (In persian)
- Pekkan, N. U. (2019). The Effect of Social Capital on Work Alication: Sample from Health Sector Employees. 3rd International Scientific Conference on Business and Economics, 1-747.
- Piran, p. (2013). Conceptual and theoretical foundations of social capital. Tehran: First edition of scientific publication. (In persian)
- Rafiei, H., Mousavi, M., & Qasemzadeh, d. (2016). Development and validation of a questionnaire for measuring social capital within and outside the group. *Social Welfare*, 161-179. (In persian)
- Rezaei, M., Basatian, S., & Jafarian, M. (2015). Social factors affecting the social alienation of working women in Khorramabad. *National Studies*, 83-99. (In persian)
- Ritzer, J.; (2007). Sociological theories in contemporary times. Tehran: Ney Publishing.
- Safipour, J. (2011). Feelings of social alienation: a comparison of immigrant and non- immigrant Swedish youth. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Sameti, M., Ranjbar, H., & Mohseni, F. (2011). Analysis of the effect of good governance indicators on human development index Case study: Southeast Asian countries (ASEAN). *Economic Growth and Development Research*, 183-223. (In persian)
- Seeman, M. (1959). On The Meaning of Alienation. *American Sociological Association*.
- Serajzadeh, S., Butcher, R., & Chamani, S. (2012). Investigating the Relationship between Religiosity and Social Alienation (Case Study: Students of Tarbiat Modares University). *Social and Cultural Strategy*, 103-125. (In persian)
- Shahriari, M., & Nabavi, S. (2014). Causes and consequences of family work conflict and examining alienation from work as one of its consequences. *Strategic Research on Social Issues in Iran*, 45-59. (In persian)
- Shortt, S. (2004). Making sense of social capital, health and policy. *Health Policy*, 11-22.

- Stiles, B. L., Liu, X, Kaplan, H.B. (2000). "Relative deprivation and deviant adaptations: The mediating effects of negative self-feelings." *Journal of Research in crime and delinquency*: 64-90.
- Tagiloo, F (2005) Investigating the relationship between social capital and social security. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 240-257.(In persian)
- Tofiqianfar, A. H., & Hosseini, S. (2012). Investigating the social alienation of young people and related social factors. *Journal of Youth Sociological Studies*, 45-58.(In persian)
- Weitzman, E. R. (2005). Risk modifying effect of social capital on measures of heavy alcohol consumption, alcohol abuse, harms, and secondhand effects: national survey findings. *Journal of Epidemiology & Community*.
- Winstanley EL, S. D. (2008). The association of self-reported neighborhood disorganization and social capital with adolescent alcohol and drug use, dependence, and access to treatment. *Drug and Alcohol Dependence*, 173-182.
- Zayandeh Rudi, M., Khosrowabadi, M., & Shakibaei, A. (2017). Investigating the effect of good governance indicators on the distribution of income by employment. *Research on Sustainable Growth and Development (Economic Research)*, 25-52 (In persian)